

عنوان مقاله:

نیمرخ روانشناختی مادران کودکان عقب مانده ذهنی و عادی

محل انتشار:

مجله روش ها و مدل های روان شناختی، دوره 8، شماره 28 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

آرمین محمودی - گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

خلاصه مقاله:

تولد کودک عقب مانده ذهنی به عنوان یک بحران، می تواند به شکل عمیق بر ارتباط ها و کنش های خانواده اثر بگذارد و خانواده هایی می توانند با بحران ها به خوبی سازگار شوند که روابط باز، موثر و دائمی داشته و در نقش هایشان انعطاف پذیر باشند. این مطالعه با هدف نیمرخ روانشناختی مادران کودکان عقب مانده ذهنی و عادی شهر یاسوج انجام شد. این مطالعه از نوع مقایسه ای می باشد. جامعه آماری، مادران کودکان عقب مانده ذهنی و مادران کودکان عادی مدارس شهر یاسوج بودند، ۱۴۰ نفر شامل؛ ۷۰ نفر مادران کودکان عقب مانده ذهنی و ۷۰ نفر مادران کودکان عادی پس از کسب رضایت آگاهانه در مطالعه شرکت نمودند، نمونه گیری به روش آسان و با مراجعه به دبستان کودکان استثنایی و یک دبستان کودکان عادی که به تصادف از مدارس دولتی یاسوج انتخاب شدند. برای گردآوری داده های پژوهش از پرسشنامه پذیرش و عمل، مقیاس نارسایی شناختی و مقیاس نارسایی هیجانی تورنتو استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های تی و آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد. از دانش آموزان مورد مطالعه را ۸۹ نفر (۶۴٪) پسران و ۵۱ نفر (۳۶٪) دختران بودند. یافته ها نشان داد نمرات دارای کودکان عقب مانده در متغیرهای نارسایی شناختی نارسایی هیجانی، ابعاد آنها و اجتناب تجربی از مادران دارای کودک عقب مانده در متغیرهای نارسایی شناختی نارسایی هیجانی، نارسایی و نارسایی هیجانی و اجتناب تجربی تفاوت معنی داری وجود دارد. مادران کودکان عقب مانده ذهنی نسبت به گروه دیگر از شیوه های منفی و ناکارآمد مقابله با فشار روانی به میزان بیشتری استفاده می کنند. این مادران با به کار بردن شیوه های منفی و ناکارآمد، فشار روانی را در خود افزایش می دهند.

کلمات کلیدی:

نیمرخ روانشناختی، اجتناب تجربی، نارسایی شناختی، نارسایی هیجانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1914272>

